

## حزب توده ایران اقدام هولناک رژیم برای تخریب گلزار خاوران را شدیداً محکوم می کند!



بر اساس اخبار منتشره رژیم ولایت فقیه، در نیمه دوم دی ماه، تهدید خود در مورد تخریب گلزار خاوران، مکان به خاک سپاری هزاران تن از قربانیان فاجعه ملی در گورهای دسته جمعی، در جنوب تهران، را عملی کرده است. فعالان حقوق بشر در داخل کشور اطلاع داده اند که رژیم در اقدامی کاملاً حساب شده و در راستای زدودن خاطره این جنایت هولناک از اذهان عمومی، و به ویژه بازماندگان قربانیان و شاهدان کشتار فجیع تابستان ۶۷ و انسان های شرافتمند و آزاده، اقدام ویرانگرانه خود را تحت

ادامه در صفحه ۲



شماره ۸۰۹، دوره هشتم  
سال بیست و سوم ۱۴ بهمن ۱۳۸۷

سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در "مجمع پارلمانی شورای اروپا" در ص ۳

### زنان سرپرست خانوار رنج فقر، درد تبعیض

با رزفش بحران اقتصادی و رشد تورم و گرانی سرسام آور، زندگی میلیون ها ایرانی با سقوط فاحش روبرو گردیده است، در این میان زنان سرپرست خانوار از زمره گروه های اجتماعی به شمار می آیند که این بحران بر زندگی حال و آینده آنها بیشترین تاثیر را باقی گذارده است. وضعیت معیشت این زنان محروم و زحمتکش در سال های اخیر با توجه به سیاست های اقتصادی-اجتماعی ارتجاع حاکم وخیم تر از قبل شده و فقر با همه زشتی خود بر زندگی آنان سایه افکنده است. در آخرین گزارشی که از اوضاع زندگی زنان سرپرست خانوار در رسانه های همگانی انتشار یافته، می توان به خوبی به ابعاد فقر و بی عدالتی در حق آنها پی برد. روزنامه سرمایه ۱۶ آذرماه امسال در این باره با استناد به آمار و ارقام سازمان بهزیستی نوشت: "در حالی که براساس قانون مستمری ها هر ساله باید ۴۰ درصد حداقل حقوق و دستمزد سالانه به عنوان مستمری به زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی یا کمیته امداد تعلق گیرد، اما در حال حاضر مستمری آنها تنها ۱۰ تا ۲۰ درصد حداقل دستمزد سالانه است."

ادامه در صفحه ۲

**در این شماره:**  
اعتراض شورای ملی صلح به اقدامات  
غیر قانونی اخیر در ص ۴  
حمایت از حقوق اقلیت های مذهبی کشور در ص ۴  
تنگنای هنر در رژیم ولایت فقیه در ص ۵

### ایران سی سال پس از انقلاب شکوهمند بهمن فاجعه رژیم ولایت فقیه سد اساسی تحقق آزادی، دموکراسی، استقلال، صلح و عدالت اجتماعی

طغیان انقلابی علیه ستمگران و غارتگران داخلی و خارجی در ایران ریشه های عمیق دارد و سخت در اشتباهند کسانی که خیال می کنند این مردم را می توان خموشانه تاراج کرد و بی کفایت در قید استبداد فشرده، جنبش کنونی مردم ایران جنبشی است عمیقاً خلقی، جنبشی است دموکراتیک، جنبشی است علیه حکومت مطلقه یک پادشاه خائن و خونخوار، جنبشی است ضد امپریالیستی...

تاکید بر محتوی، ویژگی ها و ریشه های عینی و ذهنی انقلاب بهمن ۵۷ از دیدگاه علمی آنگونه که حزب ما ارائه داده، به ویژه در سی سالگی این رخ داد عظیم مهم و با اهمیت است، زیرا هستند احزاب و نیروهایی که حوادث تاریخ از آن جمله انقلاب بهمن را نه در چارچوب و ظرف تاریخی آن، بلکه با معیارهای ذهنی امروزین خویش سنجیده و به ارزیابی آن می نشینند و نتایج بکلی نادرست از آن به دست می دهند.

در همان دوران نضج گیری انقلاب نیز کم نبودند نیروهایی که بر اساس برداشت های نادرست از شرایط عینی و ذهنی جامعه ما انقلاب شکوهمند بهمن را تنها یک "قیام مردمی" ارزیابی می کردند و ماهیت تاریخی این جنبش عظیم مردمی را زیر علامت

ادامه در صفحه ۶

۲۲ بهمن امسال مصادف با سی سالگی انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی، ضد استبدادی، دموکراتیک و مردمی ایران است که به حق یکی از رخدادهای مهم و موثر سده بیستم میلادی قلمداد می شود. حزب ما این انقلاب بزرگ خلقی را ادامه سنن ریشه دار مبارزاتی مردم ایران ارزیابی کرده و می کند. چند ماه پیش از پیروزی انقلاب بهمن، هیات اجراییه وقت کمیته مرکزی حزب توده ایران به تاریخ مهرماه ۱۳۵۷ در اطلاعیه ای تحت عنوان "ویژگی های جنبش انقلابی ایران و شعارهای اساسی مبارزه" در توصیف و تحلیل خیزش توده های میلیونی مردم از جمله نوشت: "مردم ایران با انقلاب پر افتخار مشروطیت پیشین انقلابات آسیا بودند. مبارزات مردم ایران در دوران جنگ دوم جهانی و پس از آن از اولین جلوه های مبارزات دموکراتیک خلق در جهان آن روز محسوب می شد. مردم ما با نهضت بزرگ ملی کردن صنایع نفت پس از جنگ دوم، یکی از برجسته ترین مبارزات علیه امپریالیسم را انجام دادند. کشور ما با جنبش کنونی خود یک بار دیگر نشان داد که سنن و روحیات

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"



## ادامه زنان سرپرست خانوار...

رشد آنها همان روند سال های گذشته را طی کند در سال ۱۳۸۵ باید ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار زن سرپرست خانوار در کشور می داشتیم.

بنابر این رشد تعداد جمعیت زنان سرپرست خانوار بیش از ۳۵ درصد بیشتر از رشد مورد انتظار بوده است که به منزله هشدار است و باید برنامه ریزی دقیقی برای آنها شود اما متأسفانه توجهی به این مساله نمی شود. در زمینه زنان سرپرست خانوار تاکنون سیستم رفاهی خیلی خوب عمل نکرده است، با اینکه رشته مطالعه خانواده در دانشگاه ها ایجاد شده اما به بحث زنان سرپرست خانوار نپرداخته و در حال حاضر متخصصی در این زمینه نداریم.

علاوه بر همه این ها به تصریح کلیه کارشناسان و فعالان حقوق زنان و مبارزان جنبش زنان کشور، زنان سرپرست خانوار شاید بیش از زنان دیگر از تبعیض و قوانین ناعادلانه صدمه دیده و می بیند. درحقیقت این زنان محروم و ستمدیده از سویی درد تبعیض را بر شانه های خود می کشند و از دیگر سو داغ فقر را بر پیشانی دارند.

به گزارش رسمی سازمان بهزیستی ۵۰ درصد زنان سرپرست خانوار از یک بیماری رنج می برند و سلامت جسمی و روانی آنان در مخاطره قرار دارد و در نتیجه فرزندان معصوم این زنان در معرض انواع آسیب های اجتماعی هستند. در همین گزارشات با صراحت عنوان می شود در کل کشور ۵۰ درصد خانوارهای تحت سرپرستی زنان جزء فقیرترین گروه ها هستند و سوء تغذیه بالایی در این خانواده ها شیوع دارد. برنامه و سیاست های رژیم ولایت فقیه عامل اصلی فقر و تبعیض در حق زنان سرپرست خانوار است. حمایت از منافع و حقوق این زنان محروم و ستمدیده نباید در برنامه های مبارزاتی جنبش زنان و جنبش دمکراتیک سراسری مردم نادیده گرفته شود!

## ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

پوشش عملیات عمرانی آغاز کرده است.

گلزار خاوران، پس از افشای قتل عام زندانیان سیاسی، در مرداد ماه تا شهریور ۱۳۶۷، به معیاد گاه گردهم آیی بازماندگان شهدا، نیروهای ملی و آزادی خواه، و فعالان دموکراسی و حقوق بشر در ایران بدل شده بود و نماد زنده جنایات سران رژیم ولایت فقیه بود.

حزب توده ایران بر این باور است که گلزار خاوران باید همانگونه که امروز است حفظ شود تا در فریاد پیروزی مبارزه خلق بر ضد استبداد و ارتجاع صحنه دادخواهی مردم ایران که بر ضد پانایان و آمران این جنایت هولناک ضدبشری باشد. حزب توده ایران که در جریان فاجعه ملی صدها تن از کادرهای برجسته، رهبران و اعضای خود را از دست داد، و با انتشار اولین تصاویر از گورهای دسته جمعی قربانیان کشتار زندانیان سیاسی، در سال ۱۳۶۷ جهان را از این جنایت رژیم مطلع کرد، این اقدام رژیم سرکوب و ترور را شدیداً محکوم می کند. حزب توده ایران هم صدا با همه نیروهای مردمی و آزادی خواه میهن از کارزار جلوگیری از ادامه این اقدام ویرانگر، غیر انسانی و هدمند رژیم برای تخریب گلزار خاوران حمایت می کند و در سازماندهی جلب توجه افکار عمومی جهان و ارگان های بین المللی حقوق بشر و سازمان ملل در این رابطه همه امکانات خود را به کار خواهد گرفت. ما همانگونه که در قطعنامه مصوبه پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب، در آذر ماه جاری در رابطه با بیستمین سالگرد فاجعه ملی اعلام کردیم: تا روشن شدن ابعاد کامل این فاجعه و محاکمه آمرین و عاملین آن، لحظه ای دست از تلاش بر نخواهیم داشت.

حزب توده ایران بار دیگر حمایت خود را از تلاش خانوادهها و دوستداران قربانیان فاجعه ملی برای سازماندهی یک کارزار جهانی برای جلوگیری از ادامه این اقدام ویرانگر و غیرانسانی اعلام می کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۵ بهمن ۱۳۸۷

# آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

در این خصوص مدیر کل امور زنان سرپرست خانوار سازمان بهزیستی به خبرنگاران خاطر نشان ساخته: "رقمی که دولت در اختیار ما گذاشته امکان اینکه بتوانیم ۴۰ درصد حداقل حقوق و دستمزد را به زنان سرپرست خانوار بپردازیم برایمان فراهم نکرده است.

به این ترتیب دولت احمدی نژاد از تخصیص بودجه کافی و قانونی (روی قانونی باید تاکید کرد زیرا مصوبه ارگان های همین حکومت است) برای پرداخت مستمری زنان سرپرست خانوار امتناع کرده و این درحالیست که در چند سال اخیر با توجه به قیمت جهانی نفت، دولت مشکل مالی جدی و عمده نداشته است. در سال کنونی وزارت کار و امور اجتماعی بر پایه مصوبه شورای عالی کار، حداقل دستمزد را ۳۲۵ هزار تومان مقرر ساخته، ولی با این حال بالاترین رقم مستمری ای که سازمان بهزیستی یا کمیته امداد به زنان سرپرست خانوار تحت پوشش خود می دهند، ۶۰ هزار تومان برای یک خانواده ۵ نفر به بالا است. زنان سرپرست خانوار با یک فرزند چیزی حدود ۳۲ هزار تومان مستمری دریافت می کنند. مقایسه این ارقام با قیمت کالاها و هزینه مسکن به معنای زندگی در زیر خط فقر سیاه است! روزنامه سرمایه ۱۶ آذرماه در گزارش این مساله از قول مسئولان سازمان بهزیستی یادآور می شود: "امکان اینکه بتوانیم حتی ۴۰ درصد حداقل دستمزد را به زنان سرپرست خانوار بپردازیم، نداریم. ۴۰ درصد حداقل دستمزد مصوبه شورای عالی کار رقمی معادل ۱۲۰ تا ۱۳۰ هزار تومان می شود، ولی ما در حدود ۶۰ هزار تومان به خانوارهای ۵ نفره تحت سرپرستی زنان می دهیم و مستمری زن سرپرست به عنوان یک نفر با یک فرزند ۳۲ هزار تومان ماهانه است."

در گزارش دیگری که چند ماه قبل توسط سایت کانون زنان ایران انتشار یافت، به واگذاری ارایه خدمات به زنان سرپرست خانوار توسط بخش خصوصی اشاره گردیده بود و یکی از بخش های سیاست اصلاح ساختار اقتصادی که دولت ارتجاع حاکم به شدت از اجرای آن پشتیبانی می کند خصوصی سازی تحت بهانه کاهش هزینه ها و کوچک سازی دولت است که مطابق آن بسیاری از امور کلیدی و موثر اجتماعی و اقتصادی از جمله ارایه خدمات به زنان سرپرست خانوار، بیمارستان های تامین اجتماعی، خدمات مربوط به معلولان و جز اینها به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. درنخستین گام دولت ضد مردمی احمدی نژاد اعلام داشته، ۳۰ هزار زن سرپرست خانوار خدمات خود را از بخش غیر دولتی (خصوصی) خواهند گرفت.

در مخالفت با این برنامه خصوصی سازی پایگاه اطلاعاتی کانون زنان ۵ آذر ماه امسال از جمله نوشت: "وضعیت زنان سرپرست خانوار کشور با استانداردها فاصله بسیار دارد و اقدامات سازمان بهزیستی در قالب واگذاری ارایه خدمات به زنان سرپرست خانوار به بخش خصوصی در بهبود وضعیت این دسته از زنان تأثیری ندارد... اگر بخش هایی که بهزیستی تحت عنوان بخش خصوصی از آنها یاد می کند تاکنون درست عمل کرده پس چرا بعد از سال ۱۳۸۲ یعنی سال واگذاری خدمات زنان سرپرست خانوار به بخش خصوصی وضعیت این زنان تغییری نکرده است؟"

واگذاری ارایه خدمات زنان سرپرست خانوار به بخش خصوصی از هم بخش خصوصی دلال و سودجوی ایران رنج و فقر این زنان را بیش از پیش افزایش داده و فرزندان آنان را به کام تباهی خواهد کشید. آنچه در خصوص وضعیت زنان محروم سرپرست خانوار باید در نظر گرفت، رشد این گروه به میزان قابل توجهی است. بنابه آمار سازمان بهزیستی در سال ۱۳۸۵ بیش از ۱ میلیون و ۶۴۱ هزار زن سرپرست خانوار سرشماری شد. مدیر کل دفتر امور زنان و خانواده سازمان بهزیستی در این مورد به خبرنگاران تاکید کرده است: "در سرشماری سال ۱۳۷۵، ۱ میلیون زن سرپرست خانوار در کشور داشتیم که تعداد آنها در سال ۱۳۸۵ به ۱ میلیون و ۶۴۱ هزار نفر رسیده است درحالیکه اگر قرار بود



## سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در "مجمع پارلمانی شورای اروپا"

به دعوت کمیته امور سیاسی "مجمع پارلمانی شورای اروپا" نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، در روز ۲۷ ژانویه، در اجلاس ویژه ای در رابطه با تحولات ایران سخنرانی کرد. علاوه بر حزب توده ایران "مجمع پارلمانی ..." از تعدادی دیگر از احزاب سیاسی اپوزیسیون کشور و از جمله حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران، جبهه ملی ایران و ... به منظور تبادل نظر در رابطه با شرایط کشور و برداشت ها و سیاست های نیروهای مختلف طیف وسیع اپوزیسیون ایران برای شرکت در این جلسه که در مقر اصلی آن در استراسبورگ برگزار شد، دعوت کرده بود.

نماینده حزب توده ایران پس از ایراد سخنرانی، که متن کامل آن در همین شماره نامه مردم منتشر شده است، به سؤالاتی که از سوی نمایندگان حاضر در جلسه مطرح شد، پاسخ داد. در رابطه با مسئله آینده تحولات کشور نماینده حزبمان به ضرورت ایجاد جبهه متحدی از نیروهای دموکرات و مترقی اپوزیسیون کشور اشاره کرد و از اینکه اشکالات مصنوعی، غیرعمده و عمدتا در رابطه با شخصیت ها جلوگیری چنین امر مهمی شده است، انتقاد کرد. او با اشاره به نکات کلیدی مشترک در تحلیل ها و سیاست های نیروهای اصلی اپوزیسیون کشور اظهار امیدواری کرد که در آینده چنین معضلی برطرف شود. او در پاسخ سؤالی در رابطه با آینده تحولات در ایران، ضمن اعلام ضروری بودن فاصله گیری از اظهارنظرهای بی پایه و اغراق آمیز، به اینکه به دلیل عدم وجود شرایط دموکراتیک، خلاء سیاسی و سرکوب شدید نیروهای سیاسی در ایران، تحولات در ایران از یک مسیر قابل پیش بینی شده پیش نمی روند، به امکان به هم گره خوردن پاره ای عوامل داخلی و بین المللی اشاره کرد. او خاطر نشان کرد همانگونه که روند رشد و انسجام انقلاب بهمن نشان داد، سرعت تحولات سیاسی کشور می تواند کیفیت ویژه ای به خود بگیرد و بر روند حوادث اثر بگذارد. نماینده حزب توجه حضار را به مبارزه وسیع مردمی که در ایران برای بازگشودن راه تحولات دموکراتیک و طرد رژیم مذهبی در جریان است جلب کرد و خواهان همبستگی وسیع بین المللی با مبارزه زنان، دانشجویان و اتحادیه های کارگری در ایران شد. او در پاسخ سؤالی در رابطه با موضع حزب توده ایران در رابطه با توسعه و گسترش فن آوری هسته ای در ایران، به صراحت اعلام کرد که چنین امری اگر در چارچوب استفاده صلح آمیز این فن آوری باشد حق طبیعی ایران است و به موجب موافقتنامه های بین المللی همه کشورها از آن برخوردارند. نماینده حزب مان در ادامه متذکر شد که به موازات این برداشت ما "مخالف بهره برداری از این فن آوری برای توسعه سلاح های هسته ای از سوی همه کشورها و از جمله ایران می باشیم. ما بر این باوریم که ارگان های ذیصلاح سازمان ملل و از جمله "آژانس جهانی انرژی هسته ای" می بایست با اعمال نظارت دقیق در این رابطه مسئولیت ویژه ای ایفاء نمایند."

از سوی نماینده حزب مان متن ترجمه انگلیسی سند مصوب پلنوم آذرماه کمیته مرکزی در رابطه با تحولات ایران، و همچنین نشریه انگلیسی زبان "ایران امروز" در اختیار نمایندگان شرکت کننده در این جلسه با اهمیت قرار گرفت.

در خاتمه آقای "گوران لیندبلاد"، نماینده پارلمان از حضور نمایندگان احزاب اپوزیسیون ایران در این جلسه و شرکت در این تبادل نظر تشکر کرد.

### متن سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران

"خانمها و آقایان،

متشکرم که از حزب توده ایران برای بیان نظریاتش در کمیته امور سیاسی مجمع پارلمانی شورای اروپا دعوت کردید. این تبادل نظرها و

بحثها و گفتگوهای شما در اینجا، در زمانی که رویدادها و تحولات پیچیده ای در این منطقه و در جهان در حال وقوع است، به شکل گیری مشارکت سازنده ای یاری می رساند که به سود امر صلح و دموکراسی در ایران خواهد بود. صحبتیم را با ارائه تاریخچه مختصری از حزبمان آغاز می کنم. حزب توده ایران در سال ۱۳۲۰ و در پی رهایی زندانیان چپگرا و کمونیست بنیان گذاشته شد، و امروز کهن ترین حزب سیاسی در ایران است. این واقعیت تاریخی مسلمی است که از زمان بنیان گذاری حزب تا کنون تلاش های بی شماری برای محدود کردن فعالیت های آن صورت گرفته است و حزب ما بخش قابل توجهی از حیاتش را در شرایط سرکوب و اختفا گذرانده است. به رغم حملات رژیم شاه، چه پیش و چه پس از کودتای سیا و اینتلجنس سرویس، حزب ما سهم اساسی و مهمی در صحنه رویدادهای سیاسی ایران داشته است. حزب ما سهم عظیمی در شکل گیری و تحول امر سیاست و فعالیت های سیاسی به شکل امروزی، و نیز در فرهنگ و ادبیات مترقی در ایران داشته است. قانون کار ایران و فراگیر شدن موضوعها و مفاهیمی مثل هشت ساعت کار در روز نتیجه فعالیت های حزب ما بوده است. برخی از برجسته ترین نویسندگان، شاعران، هنرمندان و هنرپیشه ها، و نمایشنامه نویس های ایران یا عضو حزب ما بوده اند یا در زمینه های گوناگون با آن همکاری داشته اند. در دهه ۱۳۲۰ حزب ما در دولت هم شرکت داشت. نگاهی به اسناد منتشر شده توسط دولت های انگلستان و آمریکا نشان می دهد که این حزب ما بود که نقش اساسی و عمده در جنبش ملی کردن صنعت نفت ایران در دهه ۱۳۳۰ به عهده داشت. حزب ما فعالانه در انقلاب ۱۳۵۷ شرکت کرد که رژیم دیکتاتوری شاه را سرنگون کرد. حزب ما در دوران پس از انقلاب صادقانه در راه کمک به تکوین و رشد یک جامعه دموکراتیک در ایران کوشید ولی تصاحب قدرت از سوی رژیم مذهبی روحانیون و کنترل مطلق این رژیم بر اهرم های قدرت تمام این تلاش ها را خفه کرد.

ما حکومت روحانیون و وجود رژیم مذهبی (موسوم به رژیم ولایت فقیه) را در ایران مانع اصلی در برابر هر گونه تحول واقعی در ایران می دانیم. رژیم اسلامی کنونی در ایران نماینده منافع بورژوازی تجاری بزرگ و بورژوازی بوروکراتیک، و مسئول از میان بردن سرمایه های انسانی و حیث و میل همه منابع و امکانات طبیعی کشور است. آمار و ارقام رسمی گویای این واقعیت است: ۱۴ میلیون نفر زیر خط فقر آن هم در یک کشور تولید کننده عمده نفت، گسترش اعتیاد و فحشا، فروپاشی اقتصاد ملی کشور، کاهش میانگین طول عمر، در حدود ۳ میلیون بیکار، بی توجهی شدید به مسائل جوانان، و انزوای جهانی کشور، فقط نمونه هایی مشخص در بیان وخامت وضع هستند. و همه اینها در شرایطی است که دست اندرکاران دولت و سرکردگان دستگاه نظامی و امنیتی رژیم از راه های غیرقانونی و خلاف به نوکیسه های آبروتومندی تبدیل شده اند. فاصله میان ثروتمندان و تهی دستان بسیار ژرف شده است.

پاسخ رژیم به تقاضای برحق مردم برای تغییر سمت حرکت چیزی نیست جز اقدامات سرکوبگرانه افسارگسیخته و ترور. هر گونه تلاش برای سازمان دهی مردم پیرامون خواست های شان با اعمال زور دندمنشانه رو به رو می شود. سازمان های غیر دولتی (NGO) از قبیل سندیکاها و سازمان های زنان، جوانان و دانشجویان مورد حمله قرار می گیرند و فعالان آنها ارباب، دستگیر و شکنجه می شوند. سرکوب بی رحمانه اقلیت های ملی و قومی در ایران، و به ویژه کردها، در سه دهه گذشته و به رغم تمام کنوانسیون های بین المللی که خود رژیم از امضا کنندگان آنهاست، صورت گرفته است و ادامه دارد.

حزب ما معتقد است که راه خروج از این وضعیت فاجعه بار، برقراری دموکراسی و احترام به حقوق بشر و دموکراتیک است. مردم ایران نشان داده اند که می توانند تغییر و تحول ایجاد کنند به شرط آن که سازمان بیابند و قادر به



## آزادی برای همه دانشجویان در بند!

همزمان با این حمایت ها، با ابتکار حراست و بسیج دانشجویی، ۱۳ تن از فعالان دانشگاه مازندان به کمیته انضباطی فراخوانده شدند. علت احضار این جوانان مردمی و میهن دوست، برپایی مراسم ۱۶ آذر امسال و سازماندهی تجمع اعتراضی در دوم دی ماه سال جاری عنوان گردیده است. به همه این نوع فشارها باید ترفند جدید رژیم ولایت فقیه علیه جنبش دانشجویی را افزود. این ترفند عبارت است از واگذاری سهمیه ۴۰ درصدی به بسیجیان فعال تا به این ترتیب ترکیب دانشگاه های کشور تغییر کرده و اکثریت را بسیجیان تشکیل دهند. خبرنگار امیر کبیر ۲۹ دی ماه در این باره گزارش داد: "روز گذشته رییس سازمان سنجش برای واگذاری ۴۰ درصد ظرفیت (دانشگاه ها) به بسیجیان فعال خبردهد." در ادامه گزارش آمده است: "برای واگذاری ۴۰ درصد سهمیه ایثارگران به بسیجیان فعال فشار زیادی از ناحیه سازمان بازرسی و قوه قضاییه روی سازمان سنجش وارد می شود، تا جایی که حتی به تهدید انفصال از خدمت مسئولان سازمان سنجش نیز منجر شده است." در صورتی که این قانون اجرا شود، ۴۰ درصد ظرفیت آزمون سراسری از رقابت آزاد و علمی خارج می گردد. خبرنگار امیر کبیر سپس می افزاید: "این حوادث در حالی روی می دهد که در سال های اخیر فعالین دانشجویی منتقد ستاره دار شده اند و اکنون به نظر می رسد این ستاره دار شدن به عموم دانشجویان در حال گسترش است." تغییر ترکیب دانشگاه های کشور با برنامه واگذاری سهمیه آزمون سراسری به بسیجیان بدون تردید چون برنامه انقلاب فرهنگی در سال های اولیه حیات جمهوری اسلامی با شکست روبرو خواهد شد. هدف این سیاست که از سرشت دانش ستیز گردانندگان رژیم ولایت فقیه ناشی می شود، "اسلامی کردن" دانشگاه ها و نابودی جنبش پرتوان و ترقی خواه دانشجویی میهن ما است. پیامد چنین طرح و برنامه هایی فقط و فقط سقوط باز هم بیشتر سطح علمی کشور و تنزل توانایی های فنی و علمی و هنری ایران خواهد بود. ترفند تغییر ترکیب دانشگاه ها با واگذاری سهمیه ۴۰ درصدی به بسیج را باید افشا و خنثی ساخت!

## حمایت از حقوق اقلیت های مذهبی کشور

نقض حقوق اولیه و شناخته شده بخشی از هم میهنان ما یعنی اقلیت های مذهبی امری پنهان نبوده و نیست، اخیراً با توجه به رخدادهای صحنه سیاسی کشور، بازداشت و دیگر انواع اعمال فشار علیه اقلیت های مذهبی صرفاً به دلیل تعلقات مذهبی و وجدانی آنها به همراه رواج اهانت و توهین توسط جریان های چون بسیج دانشجویی و وزارت ارشاد، ابعاد تازه ای به خود گرفته است. در جریان اعتراض به حق دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به اقدامات بسیج دانشجویی و حراست این دانشگاه، یکی از مواردی که دانشجویان با تاکید به آن اشاره کرده بودند، اعتراض به اهانت رسمی و علنی به اقلیت های مذهبی بویژه هم میهنان مسیحی و کلیمی بود. به دنبال چنین اهانت های زشتی در دانشگاه های کشور، شاهد موج جدید بازداشت پیروان مذهب تسنن در برخی استان ها مانند استان آذربایجان غربی و کردستان و نیز دستگیری ده ها تن از هم میهنان بهایی در تهران و شهرهای مختلف استان مازندران بودیم. همزمان وزارت ارشاد دولت احمدی نژاد نیز در راستای سیاست اعمال فشار به جنبش مردمی و اعمال سانسور و اختناق سیستماتیک با پرداخت بودجه لازم برای یک فیلم سینمایی بسیار سطحی و به لحاظ فرهنگی فاقد محتوی و سپس صدور مجوز برای آن، هم میهنان زرتشتی و اعتقادات مذهبی آنان را به تمسخر گرفت. این حرکت وزارت ارشاد و شخص وزیر که از چهره های فرهنگ ستیز ارتجاع به شمار می آید، بلافاصله با واکنش اعتراضی جامعه روشنفکری کشور و نیز انجمن زرتشتیان تهران مواجه شد. در این باره آقای اسفندیار اختیاری نماینده زرتشتیان ایران در مجلس، ضمن بیان اعتراض خود و دیگر زرتشتیان، از اهانت به مقدسات و نمادهای آیین زرتشتی توسط وزارت ارشاد ایراد تاسف کرد. همچنین به گزارش پایگاه خبری آفتاب ۲۰ دی ماه امسال، رییس انجمن زرتشتیان تهران در نامه ای به صفار هرنندی وزیر ارشاد دولت احمدی نژاد از او خواسته است "تا نسبت به این گونه فیلم ها که باعث تخریب فرهنگ غنی ایرانی میشود نظارت دقیق تر و کافی به عمل آید."

پایگاه خبری آفتاب با پذیرش اهانت به زرتشتیان توسط وزارت ارشاد جمهوری اسلامی در این باره گزارش داد: "در پی توهین به نشان فروهر در یک فیلم سینمایی، زرتشتیان به صفار هرنندی اعتراض کردند. نشان فروهر نماد دین زرتشت و یکی از نشانه های میهنی دانسته می شود." بی تردید اینگونه اهانت ها فقط یک خطا و یا بی دقتی تلقی نمی شود. همزمانی توهین رسمی و علنی بسیج دانشجویی در دانشگاه فردوسی مشهد با اقدام وزارت ارشاد خود گوئی، اندیشه و تفکر واپس مانده و فشری است که برپایه آن حقوق اقلیت های مذهبی کشور بی استثناء پایمال می گردد. حمایت از



## اعتراض شورای ملی صلح به اقدامات غیر قانونی اخیر

شورای ملی صلح با انتشار بیانیه ای به تاریخ ۲۵ دی ماه سال جاری خورشیدی، نسبت به اقدامات اخیر ارگان های سرکوبگر رژیم واکنش به خرج داد و ضمن محکوم ساختن این نوع سیاست ها خواستار بازگشایی دفتر کانون مدافعان حقوق بشر و پایان دادن به تحریکات هدفمند برضد خانم شیرین عبادی گردید.

در بخشی از این بیانیه می خوانیم: "تحدید آزادی های فردی و فضای اجتماعی و این همه غوغای غیر قانونی، مولود ادعایی است که صحت ندارد. می گویند کانون مدافعان دارای پروانه رسمی فعالیت نیست ولی اصل ۲۱ قانون اساسی و قانون احزاب مصوب سال ۱۳۶۰ چنین ادعایی را منطقی نمی داند. در عین حال کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب، چهار سال پیش صدور مجوز برای این شکل را تصویب کرده است، اما مسئولین وزارت کشور تا به امروز وضعیت نهایی را روشن نکرده اند، به رغم تکلیف قانونی، از صدور پروانه برای کانون خودداری کرده اند، چرا؟"

در بخش پایانی این بیانیه، شورای ملی صلح خواستار پایان دادن به اعمال فشارها شده و تاکید می کند: "شورای ملی صلح با نظر به این نوع برخوردهای سلبی و هزینه دار، خواهان بازگشایی دفتر کانون مدافعان حقوق بشر و پایان دادن به تحرکات فرسایشی علیه خانم شیرین عبادی و سایر فعالان حقوق بشر است. خواسته ای که همه آزاداندیشان ایران و جهان نیز خود را در انجام آن سهیم می دانند."

این درخواست کاملاً موجه و قانونی شورای ملی صلح مورد پشتیبانی همه نیروهای میهن دوست و آزادیخواه و مترقی میهن ما است!

## ترفند ارتجاع برضد جنبش دانشجویی

فضای حاکم بر دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی سراسر کشور همچنان در التهاب قرار دارد و ارتجاع حاکم توسط نهادهای خود مانند بسیج دانشجویی تلاش می ورزد، مبارزات به حق دانشجویی را مهار و کم اثر سازد. با دستگیری تعداد بیشتری از دانشجویان در دانشگاه شیراز، جنبش دانشجویی در کشور به حمایت از بازداشت شدگان برخاسته است. دانشجویان دانشگاه های آزاد در سراسر ایران با انتشار بیانیه ای به حمایت از دانشجویان دانشگاه شیراز پرداخته و خواستار آزادی دانشجویان زندانی شدند. همچنین دانشجویان زنجان، سنندج و اهواز نیز با صدور اطلاعیه هایی پشتیبانی قاطع خود را از مبارزات دانشگاه شیراز اعلام کردند.

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

حقوق هم میهنان زرتشتی، مسیحی، کلیمی و بهایی جزء جدایی ناپذیر مبارزه بر ضد استبداد و ارتجاع حاکم است!

تنگنای هنر در رژیم ولایت فقیه

“هنرمندان کشور خواستار حمایت از تئاتر شهر هستند”

از چند ماه پیش به این سو، بخش قابل توجهی از روشنفکران، نویسندگان، نمایشنامه نویس، بازیگران و هنرمندان تئاتر ایران نسبت به اقدامات جمهوری اسلامی در خصوص تئاتر شهر و خطراتی که این بنای هنری و در حال حاضر یکی از معدود مراکز تئاتر کشور را تهدید می کند، دست به اعتراض زده اند. روزنامه سرمایه ۲ دی ماه امسال در گزارش خود از این اعتراض هنرمندان کشور نوشت: “ظاهراً تئاتر شهر و اتفاقاتش، در راس اخبار هنری قرار دارد، شرایط کنونی تئاتر شهر مدتی است که مورد توجه اهالی هنر و همچنین رسانه ها قرار گرفته است. تخریب مجدد بخش هایی از دیواره تئاتر شهر در ماه گذشته موجب شد تا یک بار دیگر موج نگرانی پیرامون تهدید این سازه فرهنگی و هنری شکل بگیرد. پروژه ساخت مسجد در کنار تئاتر شهر به دوره گذشته شهرداری تهران باز می گردد.” در دوران شهرداری محمود احمدی نژاد وی طرحی را به تصویب شورای شهر رساند که مطابق آن در کنار بنای فرهنگی-هنری تئاتر شهر یک مرکز تجاری-مذهبی ایجاد شود، عملیات ساخت این مرکز تجاری همراه با مسجد و نیز عملیات ساخت و ساز ایستگاه مترو در چهار راه ولی عصر (محل تئاتر شهر) ساختمان ۴۰ و چند ساله تئاتر شهر را به شدت تهدید و در معرض ریزش قرار داده است. روزنامه سرمایه ۹ آذرماه امسال با تأکید بر نقش بسیار منفی قالبیافت شهرداری کنونی در بی توجهی به تئاتر شهر از جمله گزارش داد: “درحالی که نتیجه کارشناسی نشان می دهد که وضعیت ساختمان مدور تئاتر شهر با وسعت حجم ساخت و ساز ایستگاه مترو چهار راه ولی عصر و مجتمع فرهنگی-مذهبی و تجاری در حالت بحرانی قرار دارد، محمد باقر قالیباف شهردار تهران در جمع خبرنگاران اعلام کرده است که هیچ خطری تئاتر شهر را تهدید نمی کند.” در ادامه این گزارش آمده است: “درچند سال اخیر به ویژه که در زمان شهردار سابق گودراری از زمینی که پیش از این پارکینگ این مجموعه (تئاتر شهر) بود، برای ساخت مجمع فرهنگی، مذهبی و تجاری ولی عصر آغاز شد بارها تئاتر شهر دچار مشکلات سازه ای به خصوص از سمت جنوبی شده، به طوری که سالن قشقای در این مدت به جز آتش سوزی دوبار در قسمت ورودی دچار ریزش شده است. از سوی دیگر از سال گذشته با وجود اعتراضات گسترده هنرمندان و مطبوعات، بخشی از حیاط تئاتر شهر به ساخت ایستگاه مترو اختصاص داده شده و مدیر عامل مترو محسن هاشمی (فرزند رفسنجانی) علیرغم خواست هنرمندان مانع تخلیه حیاط توسط مترو شده است. علاوه بر این طی ماه گذشته بخشی از زمین جنوبی در نزدیکی تالار قشقای تئاتر شهر ترک خورده و زیر ساخت مجموعه بنا را تهدید می کند.” به علاوه مدیرکل هنرهای نمایشی درباره وضعیت بنای تئاتر شهر در اوایل دی ماه امسال به خبرنگاران خاطرنشان ساخت: “از نخستین ریزش دیواره تالار قشقای تاکنون هیچ اقدام موثری برای ترمیم دیواره جانبی انجام نشده و در این مدت تنها حرف زده ایم و من به شدت نگران هستم. به مسئولان هم عنوان کردم اگر روزی دیدید نیمی از تئاتر شهر به گودال مجاور منتقل شده است، اصلاً جای تعجب نیست چون سازه آن مدور است هر قسمت که رها شود، حداقل نیمی از ساختمان رها می شود (فرو می پاشد).”

در همین حال رسانه های همگانی ۳۰ آذر ماه خبر دادند: “اهالی تئاتر و هنرمندان کشور قصد ندارند موضوع تئاتر شهر را مسکوت بگذارند، بعد از درخواست رسمی چندین هنرمند سرشناس کشور، برای رسیدگی نهادهای ذی ربط درخصوص وضعیت تئاتر شهر، حالا خانه تئاتر ایران در نامه ای سرگشاده خطاب به کمیسیون فرهنگی خواستار ارایه راه حل قانونی برای حفظ و حراست از این بنای فرهنگی-هنری شدند.” درنامه سرگشاده فوق هنرمندان با صراحت خواستار حفظ و نگهداری تئاتر شهر و هماهنگ ساختن هر نوع ساخت و ساز با مجموعه فرهنگی تئاتر شهر گردیدند. درگرمای این مسایل، با حمایت شهرداری تهران و وزارت ارشاد برای چندمین سال متوالی چادری بزرگ به نام خیمه گاه عاشورا (تکیه هنرمندان) به منظور سینه زنی و اجرای آیین های مذهبی ویژه عاشورا در مجاور ساختمان تئاتر شهر برپا شد تا هیات های مذهبی از آن استفاده کنند. تمامی این رخدادها و تلاش بی وقفه برای حذف تئاتر شهر مانند بستن کلیه سینماهای کرمانشاه درمقابل با هنر، دروضعیتی صورت می گیرد که کلیه هنرمندان و دست اندرکاران تئاتر ایران نسبت به عدم تخصیص بودجه کافی برای حفظ و رشد هنر تئاتر در ایران به شدت اعتراض دارند. مسئول خانه تئاتر ایران در جمع خبرنگاران با انتقاد از عملکرد وزارت ارشاد در اختصاص بودجه به فعالیت های مربوط به تئاتر گفت: “قرار بود بودجه خانه تئاتر ۱۵۰ میلیون تومان باشد که تاکنون ما فقط ۳۰ میلیون تومان دریافت کرده ایم، از لحاظ منابع مالی به شدت در فشار هستیم و امکانات ما بسیار محدود است.”

هنرمندان و نمایشنامه نویسان به درستی خاطر نشان می کنند، “در تمامی این سال ها بزرگترین حامی و پشتیبان تئاتر خود هنرمندان تئاتری بوده اند و با وجود مشکلات مالی شدیدی که تئاتر ما با آن روبه روست به مدد استعداد ها و توانایی های خود آن را زنده نگاه داشته اند و تنها سرمایه انسانی است که باعث شده است این هنر به حیات خویش ادامه داده و گاه موفقیتی هایی درداخل و خارج از ایران کسب کند...” هنرمندان کشور ما به حق خواستار حمایت از خواست های خود از جمله حفظ و نگهداری از مجموعه تئاتر شهر هستند، از این خواست ها باید حمایت کرد!

۱۴ بهمن ماه سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی و روز شهدای حزب توده ایران



“سالیان دراز از شهادت ارانی می گذرد ولی زمانه کمکاکان بر آن محور می چرخد که جان بی تاب و جوینده آتش می چرخید... نبرد طبقاتی، رشد نیرومند نیروهای مولده، در این عصر انقلاب علمی و فنی، و تحول شگرف فکری انسان بیش از پیش تحقق آرمان های ارانی را به دستور روز بدل می کند. ارانی سوار بر سمن اندیشه انقلابی و علمی

کمکاکان به سوی پیروزی می تازد و پرچم سرخش در بادهای توفنده عصر ما در اهتزاز است...” از زنده یاد رفیق احسان طبری.

۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۱۸، گزمنگان حکومت دیکتاتوری رضا شاه، اندیشمند فرزانه، کمونیست مبارز و معلم انقلابی میهن ما را در سیاه چال های استبداد به قتل رساندند تا صدای رسا و اوج گیرنده جنبش کارگری و کمونیستی ایران را خاموش سازند. ولی مبارزه ارانی با قتل او خاتمه نیافت و اندیشه های دوران ساز او برای بنا کردن ایرانی آباد، آزاد و رها از بندهای استعمار، استثمار و استبداد، آنچنان نیروی عظیمی را در جامعه ما بسیج کرد و به حرکت درآورد که تا به امروز همچنان به راه پر فراز و نشیب خود ادامه می دهد. پرچم رزم ارانی، نو آوری های او در بردن آگاهی به درون جامعه عقب مانده ایران آن دوران و انتشار آثار علمی، از جمله بنیاد گذاری مجله “دنیا” آموزش دهنده نسل های پی در پی ای از انقلابیون برجسته همچون روزبه ها، سیامک ها، مبشری ها، وارطان ها، کیوان ها، حکمت جوها، تیزابی ها، افضلی ها، هاتفی ها و کی منش ها بود که تاریخ واقعی مبارزات مردم، کارگران و زحمتکش میهن ما را با فداکاری های خود نگاشتند.

۱۴ بهمن ما همچنین روز شهدای حزب توده ایران و روز تجدید عهد با آرمان های والای جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما و تجدید عهد با خاطره کاروان عظیم ده ها هزار شهید توده ای است که جان خود را برای بهروزی توده های ستم دیده کار و زحمت فدا کردند. به قول بالزاک: “از تمام بذریهایی که بر زمین افشاند می شود خون قربانیان ستم است که غنی ترین محصول را به بار می آورد.”

با ارانی بوده ایم، با ارانی هستیم و خواهیم بود” نزدیک به هفت دهه پس از شهادت دکتر تقی ارانی فرزندان و ادامه دهندگان راه او، اعضا و هواداران حزب توده ایران، به رغم همه پیگردها و سرکوب های خونین و بی در پی رژیم های استبدادی حاکم بر میهن ما همچنان به مبارزه خود ادامه می دهند و تا تحقق آرمان ها والای انسانی که ارانی به خاطر پایبندی به آنها جان باخت، از پای نخواهند نشست.

دروود آتشین به خاطره نابناک همه شهدای توده ای و همه رزمندگان راه آزادی و عدالت اجتماعی!

## ادامه ایران سی سال پس از ...

سؤال می بردند. روند رشد جنبش انقلابی و سپس پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ دارای پیچیدگی ها و ویژگی هایی بود که مهر و نشان خود را بر مسیر و حیات انقلاب برجای گذاشت. حزب ما در دوران دشوار سنگین تر شدن سایه حاکمیت مطلقه ارتجاع بر حیات مپهن ما، یعنی در شهریور ماه ۱۳۶۱، با انتشار جزوه ای با عنوان: "سرنوشت انقلاب در گرو نظام اجتماعی-اقتصادی جمهوری اسلامی ایران" در باره انقلاب از جمله نوشت: "پس از برانداختن انقلابی رژیم سیاسی مبتنی بر استبداد سلطنتی و قطع پیوند های سلطه سیاسی-نظامی امپریالیسم ... روند انقلاب حل مسایل بنیادی دیگری در زمینه های زیر را در دستور انقلاب قرار می دهد:

۱. تحول اجتماعی-سیاسی از راه دگرگونی در اداره کشور و دستگاه ها و نهادهای دولتی بر پایه اصول دموکراتیک و ایجاد امکان همه جانبه برای فعالیت های سازمان های انقلابی و مدافع انقلاب؛

۲. تحول اجتماعی-اقتصادی از راه دگرگونی بنیادی در زیر بنای اقتصادی به منظور تأمین عدالت اجتماعی..."

بر خلاف برخی نظرات انحرافی که گویا هنوز نیروهای ارتجاعی بر حیات سیاسی-اقتصادی مپهن ما حاکم نشده اند، و مبارزه "که بر که ای"، همانند سال های نخست انقلاب در جریان است، انقلاب بهمن در پی سرنگونی رژیم سلطنتی همان طور که از نقل قول بالا می توان استنباط کرد نتوانست تحولات بنیادین اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ضرور را در مپهن ما پدید آورد و با حاکم شدن کامل نیروهای ارتجاعی نتوانست به اهداف خود دست یافته و متوقف شد.

به گمان ما انقلاب بهمن به رغم شکست و ناکامی، که علت بنیادین آن را باید در رهبری نیروهای مذهبی به زعامت خمینی جستجو کرد، و باوجود اینکه رژیمی مغایر با اهداف و آرمان های مردمی درپن آن شکل گرفت و به سیر طبیعی و تکامل وارد و معنوی جامعه ایران لطمات جدی و گاه جبران ناپذیر وارد ساخت، انقلابی با ماهیت مردمی به معنای دقیق کلمه بود و ستایش از این رخداد بزرگ باید درخدمت تجربه اندوزی برای آینده افشای رژیم واپس گرای برآمده از آن قرار گیرد. افشای رژیم و شناخت علی که به کامیابی و تثبیت آن انجامید، خود بهترین و موثرترین یاد کرد، ستایش و دفاع از حقانیت انقلاب بهمن است!

در روزها و هفته های منتهی به سی سالگی انقلاب بهمن ما شاهد انتشار ارزیابی های گوناگون از سوی نیروها، احزاب و شخصیت های ملی، مترقی و آزادیخواه و نیز جناح های مختلف درون و پیرامون حاکمیت هستیم که هر یک در راستای موضع طبقاتی خویش به معرفی و تجلیل از آن می پردازند. حزب توده ایران ارزیابی مشخص از این رخداد سترگ، ویژگی ها، ماهیت و خصلت و نیروهای محرکه آن دارد که دراسناد رسمی و معتبر حزبی بازتاب یافته است. درهمه این اسناد حزب کوشیده است با نگاهی موشکافانه و بر پایه اصل کلیدی دیالکتیک مارکسیستی "عمل معیار حقیقت است" به قضاوت درباره روند انقلاب و سیاست خود دراین دوره بپردازد. نکته بسیار پراهمیتی که در سی سالگی انقلاب به چشم می خورد بحران عمیق نظری-هستی است که نیروهای درون و پیرامون حاکمیت با آن روبرو هستند. این واقعیت که "حکومت اسلامی" بویژه مدل مبتنی بر ولایت فقیه با چالش های جدی و اساسی مواجه و قادر به پاسخگویی به ضرورت های زمان نیست و به سدی درراه تکامل جامعه ایران بدل شده حتی از سوی مسئولان بلند پایه حکومتی نیز مورد تأکید مستقیم و غیرمستقیم قرار دارد.

حزب ما از همان آغاز جنبش انقلابی مردم ایران به این واقعیت که جنبش بطور عمده رنگ مذهبی به خود گرفته

توجه کرد و به ارزیابی آن پرداخت. طی ۲۵ سال از کودتای ننگین ۲۸ مرداد تا انقلاب روحانیون تنها گروهی بودند که به مراتب بیش از سایر گروه ها و سازمان های سیاسی امکان داشتند از راه مساجد، تکایا، جلسات مذهبی و نیز برخی نهادها همچون انجمن سلطنتی فلسفه به ترویج و تبلیغ افکار و نظرات خود بپردازند و این درحالی بود که جبهه ملی از امکان تماس با مردم برخوردار نبود و نیروهای انقلابی و چپ مانند حزب ما، فداییان و مجاهدین خلق درزیر شدیدترین سرکوب قرار داشتند و امکان تماس مستقیم و بی واسطه وجود نداشت. همین امر در تقویت و تسلط نقش خمینی و نیروهای هوادار او در رهبری انقلاب بسیار موثر افتاد. با پیروزی انقلاب بهمن کلیه جناح های هیات حاکمه سابق از حاکمیت برکنار شدند و قدرت سیاسی به طیف وسیع نمایندگان خرده بورژوازی، لایه های بینابینی سرمایه داری تجاری و سرمایه داری لیبرال منتقل شد. حاکمیت جدید در اوضاع ادامه مبارزه درونی و فرمانروایی جو انقلابی برنامه دست به یک رشته اقدام ها در راستای هدف های ملی ودمکراتیک انقلاب زد.

حزب براساس رهنمودهای پلنوم شانزدهم، تحقق کامل برنامه حزب در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک را درگرو تحقق شرط عمده مطروحه در برنامه یعنی ایجاد جبهه متحد خلق با شرکت همه نیروهای ملی، مترقی و انقلابی و نیز نیروهای هوادار خمینی و یا به عبارتی روحانیت فعال درانقلاب می دانست.

به دلایل معینی از جمله مواضع انحصار طلبانه و قشری هواداران خمینی و تفرقه و چند دستگی میان نیروهای انقلابی، ملی و آزادیخواه، جبهه متحد خلق ایجاد نگردید. در چنین وضعیتی غریزی حزب ما می بایست تاکتیک مناسب و اصولی مبارزه را انتخاب و با جدیت دنبال می کرد. رهبری وقت حزب این تاکتیک را با در نظر گرفتن حمایت اکثریت قاطع توده های مردم از خمینی بر پایه باورهای مذهبی و نیز وعده هایی که خمینی و هواداران او در زمینه تحقق آماج های مردمی انقلاب می دادند، تنظیم می ساخت. حزب ضمن حمایت کاملاً درست و اصولی از تدابیر شورای انقلاب در سال های نخست انقلاب وتلاش در زمینه برجسته ساختن و مطالبه اجرای وعده های حاکمیت جدید به مردم که تاکتیک صحیح و اصولی بود، درپاره ای از خطوط عمده از رهنمودهای پلنوم شانزدهم در آن مقطع عدول کرد. مطابق با مصوبات پلنوم شانزدهم، حزب ما می بایست همکاری با نیروهای هوادار خمینی و همکاری همه جانبه با همه نیروهای راستین انقلابی و مردمی را در جهت تحکیم و تثبیت و بازگشت ناپذیر ساختن دستاوردهای انقلاب به پیش می برد، اما در تاکتیک اعمال شده از سوی رهبری وقت سیاست اعتماد یک جانبه و حمایت از خمینی وهواداران او جای رهنمودهای اصولی پلنوم شانزدهم را گرفت. به عنوان نمونه حزب ما ضمن اینکه با صراحت در نامه سرگشاده سوم آذر ماه ۱۳۵۸، با رد اصل ولایت فقیه تصریح کرد که مبنای حاکمیت خلق است، تمام قوا از آن مردم است و مردم بر مقدرات کشور و مقدرات خود حاکم اند، به اشتباه شخص خمینی را مستثنی کرد، در حالیکه رهبری وقت وظیفه داشت، ماهیت ضد مردمی و ارتجاعی اصل ولایت فقیه را افشاء و قاطعانه رد کند.

تصویب اصل ولایت فقیه در قانون اساسی و اجرای آن درعمل فاجعه کنونی را در مپهن ما پدید آورده و اینک پس از سی سال و با خیانت سردمداران رژیم به آرمان های عدالت جویانه، ملی ودمکراتیک انقلاب بهمن، استبداد و ارتجاع بر کشور تسلط یافته و بار دیگر اقلیتی کوچک از کلان سرمایه داران، سرمایه بزرگ تجاری وسرمایه داری بوروکراتیک نوین که دردستگاه اداری و نظامی فاسد رژیم رشد و نمو یافته به غارت ثروت ملی و پایمال کردن حقوق بدیهی توده های مردم مشغول هستند. انقلاب ایران در مرحله سیاسی متوقف ماند و سپس به بیراهه کشانده شده، نتوانست به مرحله عالی تر فراروید! براساس چنین دیدگاهی است که دربرنامه نوین حزب، انقلاب بهمن یک انقلاب شکست خورده ارزیابی می شود و تأکید می گردد مپهن ما به یک تحول بنیادین، که عرصه های گوناگون زندگی مردم را دربرمی گیرد، نیازمند است. ما چنین تحولی را درچارچوب انقلاب اجتماعی امکان پذیر می دانیم. پرواضح است دراین راه درس ها و تجربیات پرارزش انقلاب شکوهمند بهمن جای ویژه ای را به خود اختصاص می دهد. براین اساس مبارزه درراه تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای نیل به عدالت اجتماعی، صلح و آزادی و طرد رژیم ولایت فقیه به مثابه سد اساسی راه پیشرفت و تکامل جامعه با استفاده از همه امکانات و مراحل، مطابق با واقعیت سیاسی کشور از اولویت های مبارزاتی حزب ما به شمار می آید.

ایران سی سال پس از پیروزی انقلاب بهمن در چنگال یک رژیم عمیقاً ضد مردمی و استبدادی اسیر است و مردم ما با وجود همه فداکاری های عظیم و هزاران جان باخت، برای به پیروزی رساندن انقلاب بهمن ۱۳۵۷، همچنان از حقوق و آزادی های دموکراتیک خود محرومند و به لطف سیاست های مخرب و ضد ملی سران رژیم بیش از پیش با محرومیت های اقتصادی، فقر و ناهنجارهای اجتماعی دست به گریبانند. ایران در سی سالگی انقلاب بهمن ۵۷، بار دیگر به استقبال تحولات مهمی، از جمله انتخابات ریاست جمهوری آینده می رود. درس بزرگ و تاریخی انقلاب بهمن ۵۷ این بود که با اتحاد عمل و همکاری همه نیروهای ملی و آزادی خواه می توان رژیم های پلیسی و استبدادی را به زیر کشید و راه را برای تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک گشود.

## ادامه سخنرانی نماینده حزب ...

فعالیت باشند. ایران از ست و سابقه پربراری در زمینه فعالیت‌های سندیکایی در خدمت منافع ملی و مردم برخوردار است. جنبش زنان نشان داده است که به رغم رفتار خشن و تندی که نیروهای دولتی با آن می‌کنند، از توان بالایی برخوردار است. دانشجویان ایران نشان داده‌اند که نیروی پیشگامی در راه تغییر، دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشور هستند. حزب توده ایران اعتقاد دارد که نیروهای اجتماعی و سیاسی در ایران می‌توانند جنبش سیاسی گسترده‌ای را بسیج کنند که تغییر و تحول را به رژیم تحمیل کند، و این کار را خواهند کرد. تحقق این امر مستلزم همکاری نزدیک تمام نیروهای دموکراتیک، میهن دوست و آزادی‌خواه است.

ایران این روزها به یک تقاطع تاریخی دیگر نزدیک می‌شود. نتیجه انتخابات آتی ریاست جمهوری در تابستان ۱۳۸۸ اهمیت تعیین کننده‌ای در اوضاع ایران خواهد داشت.

این واقعه‌ای است که در دوران هشت ساله دولت محمد خاتمی، از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، به رغم سست قدمی‌ها، ضعف‌ها، و کمبودهای جدی، تلاش‌هایی به منظور انجام اصلاحات صورت گرفت که تأثیر قابل توجهی بر رشد جنبش اجتماعی و مقاومت در برابر سانسور داشت. به همین دلیل بود که در انتخابات سال ۱۳۸۴ رژیم برای حصول اطمینان از شکست نامزد اصلاح طلبان و انتخاب شدن احمدی نژاد شیوه‌های مختلفی به کار برد، از جمله تقلب در رأی‌گیری و شمارش رأی‌ها، و گسیل نیروهای نظامی و انتظامی، ما بر این باوریم که رویکرد متحد نیروهای دموکراتیک و مترقی پیرامون کارپایه‌ای مشترک به منظور ایجاد تغییر می‌تواند مردم را طوری بسیج کند که از تکرار تجربه ۱۳۸۴ جلوگیری شود.

ما اعتقاد داریم که مبارزه مردم ایران علیه رژیم دیکتاتوری ایران مسئله‌ای است که فقط خود مردم ایران حق تصمیم‌گیری درباره آن را دارند. ما هر گونه مداخله خارجی در امور داخلی ایران را به هر بهانه‌ای که باشد به شدت محکوم می‌کنیم. نمونه عراق در دو دهه گذشته، چه اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه این کشور و چه اشغال بعدی کشور، عواقب فاجعه‌بار چنین سیاست‌هایی را به صراحت نشان می‌دهد. قربانیان اصلی این گونه استراتژی‌ها فقط مردم غیرنظامی و به ویژه آسیب‌پذیرترین آنها، یعنی زنان، کودکان، سالمندان و ناتوانان هستند.

حزب ما همراه با دیگر نیروهای مترقی ایران از برقراری یک سیستم حکومتی فدرال، دموکراتیک و غیرمذهبی (سکولار) در ایران پشتیبانی می‌کند.

از شما به خاطر همبستگی‌تان با مبارزه مردم ایران در راه صلح، حقوق بشر، دموکراسی و عدالت اجتماعی سپاسگزارم.

## ارزیابی فیدل کاسترو از باراک اوباما

## رئیس جمهور جدید توانایی حل تضادهای سرمایه‌داری را ندارد.



در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹، باراک اوباما به عنوان ۱۱مین رئیس جمهور ایالات متحده از زمان پیروزی انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ میلادی رهبری امپراتوری را به عهده گرفت.

هنگامی که اوباما تصریح می‌کند کشورش را به الگویی برای آزادی، احترام به حقوق

بشر و استقلال کشورهای دیگر در دنیا تبدیل خواهد کرد هیچ کس نمی‌تواند در صمیمیت گفته‌هایش تردید نماید. البته این گفته‌ها کسی را ناخشنود نمی‌سازند مگر انسان‌گریزهایی که در همه‌ی جای دنیا وجود دارند. او تا کنون، بدون مخالفتی، رهنمود پایان بی‌درنگ به بازداشت و شکنجه در پایگاه غیرقانونی گوانتانامو را داده است باید گفت چنین رهنمودی سرآغاز ریزش ایمان در میان آنهایی که ترور را به سان ابزاری ضروری در خدمت سیاست خارجی کشورشان می‌دانند گردیده است. سیمای خردمند و بزرگ منش نخستین رئیس جمهور سباه‌پوست ایالات متحده از زمان بنیان‌گذاری جمهوری مستقل در بیش از دو سده، با الهام از ابراهام لینکلن و مارتین لوتر کینگ به نماد زنده‌ای از رویای آمریکایی فراوریده است. با این حال، اوباما با وجود پشت‌سر نهادن آزمون‌های بی‌شمار، هنوز بزرگ‌ترین آزمون را در برابر خود دارد: اکنون که او قدرت عظیمی را در دست دارد و چنین قدرتی در چیرگی بر تضادهای غیرقابل حل و ناسازگار نظام بطور مطلق ناکارآمد می‌باشد چه رهیافتی را بخواهد گزید؟

من تعداد مقالاتی را که قصد داشتم در مورد اندیشه‌هایم در امسال بروی کاغذ بیاورم، کاهش داده‌ام چون که مایل نیستم در تصمیم‌گیری‌های حزبی و دولتی رفقا در رویارویی با دشواری‌های برآمده از اقتصاد بحران‌زای جهانی، باز داری یا مداخله‌ای کرده باشم. من سلامت هستم، لیکن اصرار دارم هیچ‌کدام از رفقا نباید این احساس را داشته باشند که ملزم به رعایت نوشتارهای گاه به گاه اندیشه‌ها، وضع سلامتی و یا مرگم باشند.

من سخنرانی‌ها و متن‌های نوشتاری خود را که در درازای بیش از نیم سده گردآوری کرده‌ام بازخوانی کرده‌ام. در این مدت طولانی با مشاهده رویدادهای گوناگون، از افتخار کم‌مانندی برخوردار بودم. هنوز از این رویدادها می‌آموزم و با آرامش در باره آنها می‌اندیشم. انتظار ندارم که تا چهار سال دیگر که دوره ریاست جمهوری اوباما به پایان می‌رسد از چنین افتخاری برخوردار باشم.

## کودکان غزه قربانیان اصلی بمباران‌های اسرائیل

سازمان "کودکان جهان - حقوق بشر" (EMDH) نقض شماری از قوانین بین‌المللی و به ویژه کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودکان (CIDE) را از سوی اسرائیل محکوم کرده است. این سازمان اعلام کرد که: "کودکان، که ۶۵ درصد ساکنان نوار غزه را تشکیل می‌دهند، قربانیان اصلی و بی‌پناه تجاوزهای اسرائیل هستند، و متناسب با نیازهایی که دارند با آنها برخورد نمی‌شود. مطابق حقوق کیفری بین‌المللی، اسرائیل به کرات مرتکب جنایات‌های جنگی شده است، و سازمان "کودکان جهان - حقوق بشر" که ۲۲ سال است برای حفاظت از کودکان رزمیده است، خواستار آن است که مسئولان این جنایات‌های جنگی تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند و مطابق قانون محاکمه شوند."



## حزب توده ایران در هجدهمین کنگره حزب کمونیست پرتغال

کنگره هجدهم حزب کمونیست پرتغال، یکی از پر قدرت ترین احزاب کمونیست اروپا، در روزهای ۱۰ الی ۱۲ آذرماه جاری در مجتمع "کامپو پکینونو" در لیسبون برگزار شد. به دعوت رهبری حزب برادر هیئت نمایندگی حزب توده ایران در این کنگره با اهمیت که نمایندگان ۵۹ حزب کمونیست از سراسر جهان در آن حضور داشتند، شرکت کرد.

۱۴۶۱ نماینده در کنگره حزب کمونیست پرتغال که نزدیک به ۷۵۰۰۰ عضو رسمی دارد، شرکت داشتند. جوانترین نماینده در کنگره ۱۶ سال سن داشت (در ترکیب هیئت نمایندگی سازمان جوانان کمونیست پرتغال) و ۲۶ درصد نمایندگان کنگره را زنان تشکیل می دادند.

۱۸مین کنگره کمونیست های پرتغالی با سخنرانی رفیق "جرنیمو دو سوسا"، دبیرکل حزب برادر آغاز شد. او در ابتدا پس از خوش آمدگویی به هیئت های نمایندگی احزاب برادر، حضور هیئت های نمایندگی اتحادیه های کارگری، تشکیلات دموکراتیک زنان پرتغال و دیگر ساختار های دموکراتیک و مدنی کشور در کنگره را اعلام و خوش آمد گفت. او در سخنرانی خود پس از اشاره به شرایط دشوار مبارزه کمونیست ها در سال های اخیر اظهار داشت: "ما نه تنها تحلیل نرفته ایم بلکه قویتر شده ایم. و به آنانی که از مبارزه روی گردانیده اند می گوئیم که هدف حزب کمونیست پرتغال سوسیالیسم است. وقتی ما مبارزه می کنیم، همیشه پیروز نمی شویم، ولیکن اگر مبارزه نکنیم همواره شکست می خوریم." رفیق دو سوسا در ادامه به شرایط حاکم در جهان، بی ثباتی اوضاع بین المللی و ابعاد وسیع و عمق بحران مالی - اقتصادی کنونی جهان اشاره کرد و گفت "بر رغم شکست هایی که سرمایه داری متحمل شده است، تهاجم امپریالیسم همچنان ادامه دارد." رهبر محبوب کمونیست های پرتغال در بخشی از سخنرانی همه جانبه خود توجه نمایندگان کنگره را به اینککه "مشخصه های اصلی امپریالیسم استثمار، سرکوبگری، نظامیگری و جنگ برجسته تر می شوند" جلب کرد. در بخش پایانی سخنرانی خود رفیق دو سوسا گفت: "بحرانی که سیستم سرمایه داری با آن دست به گریبان است، نیاز به وجود و مبارزه احزاب کمونیست، و ضرورت همکاری بین المللی بین آن ها و موضوعیت پروژه و هدف آنان برای ساختمان یک جامعه نوین، فارغ از استثمار انسان توسط انسان، جامعه سوسیالیستی به مثابه تنها آلترناتیو برای سرمایه داری، را برجسته می کند." رفیق "آنجلو آوارز"، عضو هیئت سیاسی و از مسئولین شعبه روابط

بین المللی حزب کمونیست پرتغال در سخنرانی مهمی در جریان کنگره در رابطه با نقش کمونیست ها در مبارزه بر ضد سرمایه داری از جمله گفت: "همانطور که در تحلیل سیاسی کنگره آمده است، کارگران، خلقها، نیروهای مترقی و اجزاء مختلف جبهه ضد امپریالیستی، متحد در صفوف گسترده مبارزه اجتماعی، باید مسئولیت ساختن آلترناتیوی را بعهده بگیرند که به این بحرانها و بحران سیستم سرمایه داری خاتمه دهد. نقش کمونیستها، احزاب آنها، سازمانهای آنها و رابطه با توده ها، استواری ایدئولوژیک آنها، تحکیم همکاری آنها، پشت کار آنها در پرورش اتحاد - اتحادی که نه به توسط یک حکم، بلکه در مبارزه ساخته و آزمایش شده است - عواملی کلیدی برای دگرگونی در صف آرائی نیروها در سطح جهانی و برای آینده ای با پیشرفت، صلح و همبستگی، و برای پیشروی بسوی سوسیالیسم می باشند." در جریان کنگره نماینده حزب مان همچنین با رفیق "فرانسسکو اویز"، عضو رهبری حزب برادر ملاقات و در رابطه با روابط متقابل بین دو حزب گفتگو کرد. در این گفتگو رفیق لویز عرصه های اصلی مبارزه و فعالیت حزب کمونیست پرتغال و زمینه اسناد مورد بحث در کنگره را تشریح کرد. او متذکر شد که به موازات قدرتمندتر شدن فعالیت های حزب، فشار دولت سرمایه داری به کمونیست های پرتغال و ساختار های دموکراتیک و جنبی و متحد با آنان بیشتر می شود. او به تظاهراتی که سال گذشته از طرف حزب فرا خوانده شد و ۲۰۰۰۰۰ در آن شرکت کردند، و اینکه در ۴ سال گذشته بیش از ۷۹۰۰ عضو جدید به حزب پیوسته اند، اشاره کرد. رفیق لویز شرح داد که از سوی دیگر دولت پرتغال فشار به حزب را در رابطه با حیات مالی آن و نیز از طریق ایجاد محدودیت های قانونی افزایش داده است. او در خاتمه خواستار گسترش ارتباط و همکاری های بین دو حزب گردید. از سوی نماینده حزب مان در این ملاقات در رابطه با شرایط سیاسی کشور و مبارزات مردم توضیحاتی داده شد. او ضمن اشاره به عرصه های اصلی فعالیت و مبارزه حزب توده ایران از همبستگی پیگیر کمونیست های پرتغال با مبارزات مردم زحمتکش و نیروهای دموکرات و آزادی خواه ایران و به ویژه حزب توده ایران تشکر کرد.

### کمک های مالی رسیده

به یاد رفیق خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران از لندن ۲۵۰ پوند  
به یاد رفیق شهید توده ای، ناخدا بهرام افضلی از لندن ۶۰ پوند

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنتی و "ای-میل"  
E-Mail: dabirxhaneh\_hti@yahoo.de

**Nameh Mardom No. 809**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

### Monday 2nd February 2009

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.  
شماره حساب 790020580  
کد بانک 10050000  
بانک Berliner Sparkasse